

جهانی شدن یکی از مفاهیمی است که در آستانه قرن جدید ذهن و فکر بسیاری از محققان و دولتمردان را به خود مشغول نموده است. این مسئله که همزمان با یک‌رشته تحولات عظیم فنی و علمی و عملی در عرصه اطلاع‌رسانی و ارتباطات صورت گرفته، به عنوان یک واقعیت ملموس، چگونگی برخورد با این پدیده را مشکل ساخته است. از طرفی باتوجه به اینکه یکی از مبانی پدیده جهانی شدن بحث یکپارچه شدن اقتصاد دنیا و همچنین تجارت آزاد می‌باشد، بدیهی است این نگرانی و دلمشغولی برای کشورهای دارای اقتصاد کوچک و ضعیف‌تر نسبت به کشورهای پیشرفته بیشتر وجود دارد که این تحولات چه مسائلی را برای آنها به وجود خواهد آورد.

فدراسیون روسیه به عنوان بزرگترین کشور جهان از لحاظ جغرافیایی و یکی از چند کشور برتر دنیا در زمینه علوم و صنایع نظامی و فضایی با این مسئله به‌طور پیچیده‌تری روبروست. اکنون این سؤال برای جامعه روسی اعم از نخبگان حاکم و علمی مطرح است که جایگاه روسیه در نظام جدید چه خواهد بود؟ جهانی شدن چه منافع و چه مشکلاتی برای روسیه خواهد داشت؟ چگونه می‌توان در شرایط جدید منافع کشور را تأمین نمود؟ اگر جهانی شدن یک امر واقعی و اجتناب‌ناپذیر است چه مداخله‌هایی می‌تواند تأمین‌کننده منافع روسیه باشد؟ و سئوال‌ات متعدد دیگری که در این

زمینه در جامعه روسیه وجود دارد. برای این سئوالها البته پاسخ‌های یکسانی در جامعه روسیه وجود ندارد. برای بیان نظرات موجود در ابتدا لازم است به چند نکته اشاره شود.

فدراسیون روسیه پس از فروپاشی شوروی و پذیرش تمام تعهدات آن و همچنین بی‌نظمی‌های حاکم در دوران بعد از فروپاشی که باعث رشد سرسام‌آور گروهی معدود که اکنون با نام الیگارشی شناخته می‌شوند، دچار یک اقتصاد ضعیف گردید که توانایی رقابت در عرصه اقتصادی را از این کشور گرفته و این کشور را به خود مشغول نموده است. این مشکل با بحران کاهش ارزش روبل در برابر ارزهای خارجی در سال ۱۹۹۸، مردم عادی کشور را نیز در زندگی معمولی دچار مشکل کرده و باتوجه به عدم زمینه لازم برای رقابت‌های اقتصادی و تجاری، آسیب‌پذیری این کشور را در برابر پدیده جهانی شدن بیشتر کرده است.

از طرف دیگر، روسیه با بنیه علمی قوی و داشتن زیربناهای لازم در این زمینه و همچنین حفظ قدرت رقابت در صنایع نظامی و فضایی و هسته‌ای، دارای توانایی‌هایی است که قدرت چانه‌زنی این کشور را در نظام بین‌الملل بالا می‌برد. ساختن سیستم جهانی بدون نظر داشت قابلیت‌های روسی، سیستم را ناکارتر و همچنین متزلزل تر می‌نماید. بنابراین، به‌رغم اقتصاد ضعیف روسیه، در حال حاضر ساختن یک نظام نوین جهانی بدون حفظ جایگاه قابل قبول برای این کشور نمی‌تواند موفق باشد.

اقتصاد روسیه که امروز بیشتر وابسته به مواد خام و صادرات انرژی شده، برای رشد و شکوفایی نیازمند سرمایه‌گذاری خارجی و استفاده از تکنولوژی نوین می‌باشد. روسیه کشوری است که دارای زیربنای لازم از نظر مواد خام و نیروی انسانی ماهر و همچنین مراکز تحقیقاتی و پژوهشی گسترده جهت پشتیبانی توسعه می‌باشد؛ ولی از آنجاکه هیچ کشوری برای توسعه خود نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن دستاوردهای فنی و علمی بشر از صفر شروع به کار نماید و در صورت چنین عملی فاصله کشورهای پیشرفته و صنعتی به صورت تصاعدی با آن بیشتر خواهد

شد، بنابراین روسیه تمایل ندارد که توسعه با درهای بسته را در پیش گیرد. ضمن اینکه تجربه تاریخی نیمه دوم قرن بیستم به آنها نشان داده که حتی در صورت موفقیت تنها از طریق رقابت می توان به تولیدات خود کیفیت داد و اقتصاد خود را شکوفا نمود.

نکته دیگر چگونگی نظام بین الملل و تقسیم قدرت در این نظام می باشد. اکنون ایالات متحده آمریکا، کانادا، اتحادیه اروپا، ژاپن، چین و کشورهای آسیه. آن هر کدام یک قطب اقتصادی محسوب می شوند. ضمن اینکه کشورهای دیگری نیز از طریق اتحادهای منطقه ای سعی در پیوستن به این قطبهای قدرت را دارند. در این بین روسیه با قرار گرفتن در بین این قدرتها هنوز به یک استراتژی واحد جهت توسعه اقتصادی خود دست نیافته است. روسیه بیش از هر چیز می خواهد از طریق استراتژی اروپایی و در عین حال همکاری با آمریکا و قدرتهای دیگر آسیایی توسعه خود را دنبال کند که البته در این خصوص نیز شرایط و نظرات متفاوتی در جامعه وجود دارد.

نکته قابل توجه دیگر ابعاد مختلف اثرات جهانی شدن می باشد. امروز در روسیه همانند بسیاری از کشورهای دیگر علاوه بر نگرانی از استیلاطلبی اقتصادی، قطبهای قدرت در سطح جهان نگران مسخ فرهنگی و همچنین مشکلات سیاسی و امنیتی ناشی از این پدیده هستند. بی دلیل نیست که روسیه در ارتباط با مسئله چین به هیچ وجه کوتاه نیامده و با شدت و تلاش زیاد سعی در کنترل بحران و جلوگیری از دخالت کشورهای خارجی حتی کشورهای اروپایی در این مسئله دارد. در مجموع با توجه به نکات فوق در خصوص جهانی شدن و چگونگی برخورد روسیه با این پدیده دیدگاههایی وجود دارد که به طور اختصار به آن می پردازیم.

دیدگاه حاکم در خصوص جهانی شدن در روسیه بیشتر به تنظیم نظام چندقطبی در روابط اقتصادی، تجاری، سیاسی و فرهنگی می باشد. این دیدگاه ضمن قبول واقعیات موجود معتقد به انزوای روسیه نبوده و تلاش دارد به طور فعال در صحنه نظام بین الملل چندقطبی

حضور داشته باشد. در این خصوص در قسمتی از دکترین امنیت ملی روسیه که گرایش‌های موجود در موضوع را تقسیم‌بندی کرده، آمده است:

گرایش اول شامل تحکیم مواضع اقتصادی و سیاسی بسیاری از کشورها و اتحادیه‌های بین‌المللی و تکمیل مکانیزم‌های اداره چندجانبه روندهای بین‌المللی است. در عین حال عوامل اقتصادی، سیاسی، علمی و فنی، محیط‌زیستی و اطلاعاتی نقش فزاینده‌ای را ایفا می‌کنند. روسیه برای شکل‌گیری ایده برقراری جهان چندقطبی بر این اساس تلاش خواهد کرد. آقای دلاگین رئیس انستیتو مسائل جهانی شدن، نظرات موجود در روسیه در خصوص جهانی شدن را به سه دسته تقسیم می‌کند:

۱. گروهی که معتقدند که صرفاً با هماهنگی و همکاری با آمریکا توسعه روسیه حاصل خواهد شد. این گروه بیشتر نیروهای راست‌گرا و طرفداران حزب یابلکو هستند.

۲. گروهی که معتقدند توسعه روسیه در عرصه جهانی بیشتر از طریق همکاری و همگرایی با اتحادیه اروپا و کشورهای این قاره تأمین خواهد شد. آقایان کاسیانوف و کودرین از این گروه هستند.

۳. گروهی که معتقدند روسیه باید مانند یک پل بین اروپا و آسیا عمل کرده و سیاست همکاری و حضور در بازار جهانی را در پیش گیرد.

به هر حال، از نظرات مطرح‌شده چنین برداشت می‌شود که جهانشمولی به عنوان یک واقعیت در جامعه روسیه پذیرفته شده و سخن بیشتر بر سر انتخاب راهکارهای لازم جهت حضور قدرتمندانه‌تر، توأم با رشد اقتصادی و حفظ امنیت ملی و چگونگی جلوگیری از آسیب‌پذیری جدی است. لذا مهمترین مطلوب روسیه وجود نظامی است که به جای یک قطب و یک مرکز چندقطب و چند مرکز وجود داشته باشد.